# شرح ادامه فقره‌ها

**«والا معقل أحرز من الورع»؛** معقل به معنای پناه‌گاه است. حرز هم به معنای حفظ ماندن است. ورع، انسان را حفظ می‌کند و معقلی، احرز از ورع ندارید. «والا شفيع أنجح من التوبة»؛ اگر فردا بخواهد چیزی دستگیری ما باشد، انجح از توبه نیست. توبه این کار را انجام می دهد. از اساتید درس معقول بودند. مکرر می فرمودند. می‌گفتند: شفاعت را باید از اینجا با خودمان ببریم. جمله بزرگی بود که مدام تکرار می‌کردند. این جور نیست که صبر کنیم تا فردا شفاعت کنند. باید از اینجا ببریم. اگر بذر شفاعت را از اینجا بردیم، فردا هم شفاعت می کنند و الا توبه نشد، توسل نشد، فردا چه شفاعتی می‌شود؟! باید بذر شفاعت را از اینجا با خودمان ببریم.

**«و لا كنز أنفع من العلم ، ولا عز أرفع من الحلم»؛** اگر حوصله کردید، نگاه کنید. از «انجح من التوبه» نسخه امالی و فقیه با نسخه تحف العقول و کافی تفاوت می کند. در کافی به این صورت است: «لاشفیع انجح من التوبة» بعد آمده است: «و لا لباس اجمل من العافیة و لا غایة امنع من السلام». تا خیلی بعد به «و لا حسب ابلغ من الادب» می‌رسد. منظور این که این تفاوت نسخه هست. بنده علامت هم زده‌ام و مطابقت هم کرده‌ام. شما هم ان شاء الله ببینید. بنابراین «و لاکنز» ابتدای تفاوت نسخه است.

**«ولا عز أرفع من الحلم»**؛ حلم چیست؟؛ حلم را به صبوری و بردباری معنا می‌کنند. در اصل معنای لغت حلم، عقلانیت خوابیده است. «اولوا الالحلام»؛ حُلُم و أحلام، یک جور عقلانیت است. آدم حلیم هم که حلیم است، چون عقلش بالا است. عقلی که سبک باشد، از آن حلم نمی‌جوشد.

**«ولا حسب أبلغ من الأدب ، ولا نسب أوضع من الغضب ، ولا جمال أزين من العقل ، ولا سوء أسوء من الكذب ، ولا حافظ أحفظ من الصمت، ولا لباس أجمل من العافية ، ولا غائب أقرب من الموت»؛** خیلی چیزها غائب است، اما غائبی نزدیکتر از مرگ ندارید. این تعبیر، خیلی تعبیر مهمی است. هم مطالب معرفتی در آن هست و ... .

ان شاء اللّٰه در جلسه بعدی، سند روایت بیست و هشتم را می‌خوانیم.

---

بازبینی #3
ایجاد شده 9 نوامبر 2024 14:50:48 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 نوامبر 2024 10:59:33 توسط ... .